

بحران عراق و مخاطرات بعد از عراق!

مسعود فتحی

رئیس جمهور آمریکا محور شرارت هستند. از این سه طبیعی بود که اول از همه انگشت اتهام جنگ علیه تروریسم متوجه عراق شود. و تدارک اشغال عراق در دستور کار ارتش آمریکا قرار بگیرد. بهانه لازم و کافی برای این کار در دست آمریکا بوده و هست. بخصوص این که آمریکا مدعی است که عراق انبار سلاح های کشتار جمعی است و به قطعنامه های سازمان ملل در این مورد عمل نکرده است و به زور باید خلع سلاح شود. حتی فرماندهی خاصی هم از طرف ارتش آمریکا برای این کار ایجاد شده است. در این میان اگر چه کره شمالی اعتراف کرده است که برنامه تولید تسلیحات اتمی خود را برخلاف تعهدات بین المللی اش ادامه داده است. با این وجود این اعتراف کمتر توجه برنامه ریزان کاخ سفید را بر انگیزته و بیشتر به سکوت برگزار شده، که خود دلیل دیگری بر پوچ بودن ادعاهای ایالات متحده در مساله خلع سلاح عراق است.

آن چه که امروز مسلم است، پذیرش بی قید و شرط بازرسان سازمان ملل از سوی عراق، مخالفت برخی از دولت های اروپائی با جنگ در عراق و اعتراضات ضد جنگ در عرصه جهانی و نیز مخالفت همه کشور های عربی، فقط حمله آمریکا به عراق را به تاخیر انداخته اند، اما به هیچ وجه تغییر رژیم در عراق را به هر شیوه ممکن از اولویت روز سیاست خاورمیانه ای آمریکا نیانداخته اند. دلیل آن واضح است: تسلط بر منابع نفتی عراق یکی از مهم ترین منابع انرژی خاورمیانه بعد از عربستان سعودی، نقش کلیدی در سیاست سلطه گرانه آمریکا در این منطقه حساس و بحرانی دارد و از نظر استراتژیک های کاخ سفید، عراق با توجه به شرائط بین المللی و انزجار جهانی از دیکتاتوری صدام، با وجود تمامی مقاومت ها و مخالفت های بین المللی آسان ترین بخش برنامه دراز مدت آمریکا در تغییر جغرافیای سیاسی در این گوشه از جهان است. از این رو نیز هست که می توان گفت برنامه تسخیر عراق چه با جنگ و چه بی جنگ چیده

دنبال می کرده است. تکمیل تسلط بر منابع انرژی منطقه و کسب امتیاز کنترل بر صدور و انتقال نفت بعنوان شاهرگ حیاتی اقتصاد جهانی. اگر جنگ کویت فرصتی طلایی برای استراتژهای سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بود تا با سازمان دادن یک اتحاد بین المللی علیه عراق پای ارتش آمریکا در منطقه را تثبیت کرده و پایگاه فرماندهی آن را در خلیج فارس مستقر نمایند، استقرار در عراق به دنبال حضور در آسیای میانه تا افغانستان و امارات، تکمیل این تثبیت برای استفاده استراتژیک از این حضور است. شکی نیست که انتخاب بوش به ریاست جمهوری اجرای نقشه های دراز مدت ایالات متحده در این بخش از جهان را شتاب بخشید. اما حادثه یازده سپتامبر فرصتی طلایی برای عملی نمودن هر چه سریع تر آن ها را فراهم ساخت. بر زمینه همین واقعیت هم بود که انزجار جهانی از تروریسم، وسیله ای شد که دولت آمریکا تحت عنوان مبارزه علیه تروریسم جهانی، سیاست جهانگشائی جدیدی را اعلام نماید و رئیس جمهور بوش آشکارا از آغاز جنگی طولانی سخن بگوید. دکترینی را اعلام نماید که بر اساس آن کشور های جهان یا علیه تروریسم و با آمریکا هستند و یا مخالف آمریکا و علیه آن. بر این مبنا نیز اهداف اولیه این سیاست بلافاصله بعد از سقوط طالبان در کابل که زمانی نقطه امید سیاست آمریکا در ایجاد ثبات در افغانستان و حفاظت از لوله های انتقال نفت آسیای مرکزی به سواحل دریای آزاد محسوب می شدند، جهت گیری های این جنگ اعلام شد. جنگی که در وهله نخست سه هدف پیش رو که عبارتند از: حکومت اسلامی در تهران، حکومت صدام در بغداد و رژیم حاکم بر کره شمالی. که به تعبیر

تحولات در مورد جنگ در عراق شتاب بیشتری به خود گرفته است و اگرچه کابینه جنگی آقای بوش هنوز بعد از ماهها تدارک به دلیل مقاومت مجامع بین المللی و افکار عمومی جهان نتوانسته است نقشه های جنگی خود را در عراق پیاده کند، و با گردن گذاشتن بر تصویب قطعنامه جدید در شورای امنیت سازمان ملل به اعزام بازرسان تسلیحاتی به بغداد موقتا رضایت داده است، اما عدم خشنودی خود از این "وقت تلف کردن" را پنهان نکرده و در مقابل هر اقدام عراق از جمله پذیرش بی قید و شرط شرائط جدید و تشدید شده سازمان ملل، اظهار نارضایتی و کافی نبودن این قبیل تسلیم ها را گوشزد نموده و هدف خود را در تسلیم بی قید و شرط بغداد به اراده و اشنگتن پنهان نساخته است.

اکنون دیگر تمام تابو هایی که دیروز در مورد افسانه قصر های هزار و یک شب صدام وجود داشت، شکسته شده است و بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل هر وقت که خواستند، می توانند وارد این قصر ها شده و دست به بازرسی بزنند. هم چنین عراق با ارائه یک گزارش ۱۲۰۰۰ صفحه ای به سازمان ملل اعلام کرده است که هیچ گونه سلاح کشتار جمعی در اختیار ندارد اما ایالات متحده آمریکا قبل از آن که این گزارش بررسی شود، اعلام کرده است که عراق دروغ می گوید.

شکی نیست که معیار برخورد ایالات متحده با عراق پای بندی عراق به مصوبات شورای امنیت سازمان ملل و غیره نیست. این امر را خود دولت آمریکا هم انکار نمی کند. روشن است که پشت این شعار ها اهداف واقعی دیگری نهفته است. طی سال های اخیر سیاست آمریکا در خاورمیانه همواره یک هدف اساسی را